

پشیمانی ۶۰ درصدی در یک انتخاب آینده ساز

برنامه ریزی دانشگاه آزاد برای بهره برداری از توان ۷ میلیون فارغ التحصیل

نخبگان دانشگاه شبکه می شوند



فرهنگستان

دانشگاه

شماره ۴۳۰ | شماره ۴۳۰ | شماره ۴۳۰

برنامه ریزی سالیانه واحدها در جلسات هیات امنای با حضور پررنگ مدیران استانی انجام می شود

فصل هم افزایی دانشگاه



مرداد



دانشگاه های دولتی ایرانی در تبه بندی جدید چه وضعی دارند

زنگ خطر به روایت شانگهای ۲۰۲۴

بخش شانزدهم

رئیس انیس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه

چاره اندیشی برای ۱۸ هزار علاقه مند به دانشگاه

کتاب «رئیس انیس ایران؛ دانشگاه ملی ایران و شاه» ابعاد مختلفی از جریان تشکیل دانشگاه در ایران و شکل گیری آموزش عالی به شکل و شمایل امروز را تشریح کرده است. کتابی به قلم علی شیخ الاسلام، مؤسس و رئیس دانشگاه ملی ایران که «فرهنگستان» از اوایل مردادماه بخش های مختلف آن را منتشر کرده است. در ادامه انتشار گزیده این کتاب، نویسنده دلایل راه اندازی دانشگاه ملی را از زبان خود تشریح کرده و زمینه های شکل گیری فکر تاسیس دانشگاه ملی را توضیح داده است که در ادامه می خوانید.

مهم ترین نتایج درجه دوم «بای پروداکت» تاسیس دانشگاه ملی ایران که به معرض افکار عمومی گذارده شد و همه روزی آن بحث می کردیم به شرح زیر بود:

اول؛ در آن تاریخ (۱۳۳۵ هجری شمسی) سالیانه متجاوز از بیست هزار نفر از دبیرستان های ایران فارغ التحصیل می شدند و اکثریت قریب به تمام آنها می خواستند وارد دانشگاه شوند. دانشگاه دولتی تهران و چند دانشگاه دولتی طب ناصف در شیراز، اصفهان و مشهد که آنها را دانشگاه نامیده بودند حداکثر جمعا دو هزار نفر آنها را در سال می توانستند پذیرند و بیش از این محل نداشتند.

۱۸ هزار نفر دیگر سرگردان و بلا تکلیف بودند و اسباب زحمت طاقت فرسا برای اولیا خودشان و جامعه ایران و اکثری می خواستند برای ادامه تحصیل راه اروپا و آمریکا را در پیش گیرند (در حال تحریر این سطور ۱۳۴۰ جمع عده فارغ التحصیل دبیرستان های ایران در سال متجاوز از هشتاد هزار نفر می باشند).

از این جهت اگر چند دانشگاه ملی در ایران تاسیس شود مردم با طیب خاطر مخارج اداره آنها را خواهند پرداخت و بدون دیناری کمک از طرف دولت (همان طور که در آمریکا مرسوم است) به این احتیاج مبرم مردم جواب مثبت داده خواهد شد.

دوم؛ در آن تاریخ (۱۳۵۵) متجاوز از بیست هزار نفر دانشجوی ایرانی در اروپا و آمریکا مشغول تحصیل بودند و حداقل خرج تحصیل هر یک نفر آنها در آمریکا سالی سه هزار و شصت دلار و در اروپا سالی دو هزار و شصت دلار بود.

محتاج به توضیح نیست برای ممتی که درآمد سالیانه اش به نسبت هر فرد در سال حدود دو بیست دلار است چقدر طاقت فرسا و کمر شکن است که چنین مبلغی را آن هم به ارز خارجی پردازد (در حال تحریر این سطور ۱۳۴۰ جمع عده دانشجوی ایرانی در اروپا و آمریکا متجاوز از ۶۵ هزار نفر است و مخارج هر یک نفر دانشجو در سال در آمریکا به ۴ هزار و ۶۰۰ دلار و در اروپا به ۲۰۰۰ دلار ترقی یافته و دستگاه حاکمه ایران، برای اینکه بی لیاقتی و مغرض بودن خود را پرده پوشی کند، در احصائیه های رسمی تعداد دانشجویان ایرانی در خارجه را به متجاوز از ۲۰ هزار نفر صورت داده است، به هر حال چه در آن تاریخ و چه در حال حاضر با در نظر گرفتن آمار جعلی دولت یا آمار حقیقی هیچ مملکتی در دنیا جز ایران وجود ندارد که به نسبت جمعیتش این تعداد دانشجو در خارجه داشته باشد و حدیث مفصل رنج و بیچارگی طبقه جوان ایران را از همین مجمل می توان خواند و اعداد حاکی حقایق وضع هستند. دانشجوی ایرانی حتی به کوره دعات آلمان و اتریش و ایتالیا و آمریکا هم پناه برده است. از طرف دیگری کاش با همه این خرج و زحمت و زندگانی در غربت این عده صلاحیت تحصیل در خارجه را داشتند و می توانستند در اروپا و آمریکا درس بخوانند و واقعا از خرمن دانش غرب توشه ای بگیرند.

با کمال تاسف و باز هم تاسف، حداکثر سالی بیست محصل ایرانی در آمریکا و اروپا مشغول تحصیل است و سالی هشتاد بقیه به ولگردی و مبتلا ساختن خود به انواع آلام و اسقام غیر قابل علاج و روحی و جسمی، وقت و جوانی را می گذرانند و پدران و مادران آنها می سوزند و می سازند و کسی در دستگاه حاکمه گوشش بد حکار نیست که برای این وضع رقت بار و وطن پرورده چاره ای بیندیشد.

حتی در مواردی دیده ام بعضی از افراد هیات حاکمه خوشحالند که از شر اینها در ایران خلاص شده اند.

این جو آنها که اکثریت قریب به تمام شان ممکن است درختان باروری برای عمران و آبادی و ترقی مملکت بشوند، چون محکومان به اعمال شاقه در شرف زوال و اکثری به ناچار جلائی وطن می کنند و گاهی از زبان خودشان شنیده ام می گویند تنها جرم ما این است که ایرانی هستیم و می دانیم این وضع ما صحیح نیست؛ اینها غالبا پس از سال ها اقامت و بلاتکلیفی در اروپا و آمریکا با خارجی ها ازدواج می کنند و با اشتغال به کارهای جزئی از قبیل تکنسین و شاگرد قهوه خانه و... در اروپا و آمریکا متوطن می شوند و بی اینکه پس از سال های متمادی ولگردی و بیچارگی به ایران مراجعت می کنند و به خیل عظیم بی کارها و ولگردان تهران و سایر شهرها می پیوندند.

اما صدی بیست که گفتیم درس می خوانند و چیزی می آموزند اکثری در همان مملکتی که تحصیل کرده اند به تدریس و سایر مشاغل آبرومند مشغول می شوند و در همان جا هم متاهل می شوند و عده قلیلی هم به ایران مراجعت و پس از یکی دو سال که همه درها را زدن و کاری از پیش نبرند مجبور می شوند با هزار التماس و گاهی صرف پول و تملق گویی از هر ناکسی، در یکی از دستگاه های وابسته به دولت با حقوق ناچیز و حداکثر بخور و نمیزی در ایران بمانند.

از کل محصل ایرانی در خارجه اعم از تحصیل کرده یا شکست خورده عالم با ولگرد حدود صدی یک به علت خویشتانندی و دوستی با هیات حاکمه و گاهی پرداخت رشوه و گاهی به علت عضویت آنها در دستگاه سیا و ساوا که به مشاغل مهم در ایران گماشته می شود و تازه در بین همین عده به اصطلاح موفق اکثری به کارهایی منصوب می شوند که کوچک ترین ارتباطی با رشته تخصصی تحصیلی آنها که سال های متمادی برای آن وقت گذاشته اند ندارد.

این منظره هولناک که به طور اختصار و بسیار فشرده یادآوری شد عین حقایقی است که بدون اندک مبالغه شخصا شاهد و ناظر آن بوده و می باشم. طبقه دانشجوی اولیای آنان، اعم از اینکه بتوانند مافی الضمیر خود را به طور سیستماتیک بیان کنند یا نه، می دانند و می فهمند و از نظر کسی پوشیده نیست جز اطلاعات عمومی است و تا آنجا که من اطلاع دارم، ایران تنها کشوری است روی کره زمین که جوان هایش به این وضع عجیب، غریب و شگفت انگیز مبتلا می باشند.

سوم؛ در این کار آزاد یا دولتی که بتواند دانشمندان جوان ایرانی را به خود جذب کند وجود نداشت (در حال حاضر اندکی این وضع تغییر کرده لکن تغییر بسیار ناچیز که به هیچ وجه نمی تواند جوابگوی عده روزافزون دانشمندان جوان باشد و این مختصر تغییر هم به تصدیق عموم مردم و به خصوص کسانی که به این امر وارد هستند بیش از همه چیز، از برکت تشکیل دانشگاه ملی ایران است). همان طور که قبلا یادآوری کردم این عده مجبور بودند یا جلائی وطن کنند یا با زحمت زیاد به خیل کارمندان یعنی دستگاه مزاحم و بیکاره دولت در مشاغل غیر تخصصی خود پردازند.

با تشکیل دانشگاه ملی ایران و دانشگاه های ملی دیگر اینها به وطن مراجعت داده می شدند و به اصطلاح با یک تیر دو نشان زده می شد؛ و از طرفی دیگر از تعداد کسانی که می خواستند به خارجه بروند برای تحصیل به طور محسوس کم می شد و از طرف دیگر، این دانشمندان جوان و متخصصان در وطن آنچه را که با صرف یک عمر زحمت آموخته بودند به هموطنان خود می آموختند و رفته رفته این اداره مهاجرت که نیم قرن است به نام اداره اعزام دانشجو به خارجه باز کرده ام بسته و عزم رحیل جوانان بدل به اقامت می شد. از نظر اقتصادی هم سالی صدها میلیون دلار از یک ملت فقیر که از اکثر نعمت های زندگی قرن بیستم محروم است جلوگیری به عمل می آمد.

ادامه دارد...

فصل جشنواره بین المللی میراث سبزی از عاشورا تا اربعین

اهداف جشنواره:

- رسمی سازی برخی شکل گیری تمدن نوین اسلامی با استفاده از ظرفیتهای فرهنگی هنری و هنرپاسایی و شناسایی و ترویج و تحسین هر جنبه از عناصر فرهنگی با حفظ کیفیت و جهت گیری به سمت تولید آثار فاخر و راهبردی و ترویج سیستماتیک جهت ارتقاء آگاهی و آشنایی هنرمندان به ظرفیتهای فرهنگی و هنری و معرفی هنر ملی و ملی سازی و معرفی هنر ملی در سطح بین المللی از طریق جشنواره بین المللی میراث سبزی
- تعمیر و بازسازی میراث فرهنگی و تاریخی و آشنایی هنرمندان با میراث فرهنگی و تاریخی و آشنایی هنرمندان با میراث فرهنگی و تاریخی
- تعمیر و بازسازی میراث فرهنگی و تاریخی و آشنایی هنرمندان با میراث فرهنگی و تاریخی

موضوعات جشنواره:

- حداکثر ۱۰۰ اثر در زمینه سبزی و میراث فرهنگی و تاریخی و آشنایی هنرمندان با میراث فرهنگی و تاریخی
- حداکثر ۱۰۰ اثر در زمینه سبزی و میراث فرهنگی و تاریخی و آشنایی هنرمندان با میراث فرهنگی و تاریخی

بخش های جشنواره:

- مسابقات سبزی و میراث فرهنگی و تاریخی و آشنایی هنرمندان با میراث فرهنگی و تاریخی
- مسابقات سبزی و میراث فرهنگی و تاریخی و آشنایی هنرمندان با میراث فرهنگی و تاریخی

نحوه ارسال آثار:

- شرکت کنندگان می توانند با مراجعه به سایت azad.ac.ir/mirassarfestival2 شرکت کنندگان می توانند با مراجعه به سایت azad.ac.ir/mirassarfestival2
- ثبت نام و ارسال آثار خود را به دبیرخانه دائمی جشنواره ارسال نمایند.
- ادرس ایمیل جشنواره mirassarfestival@gmail.com
- ارضاط طریق ارسال آثار mirassarfestival2@gmail.com
- مهلت ارسال آثار جشنواره بیست و ششم مردادماه هزار و چهارصد و سه.